

# اتحاد چپ کارگری

بولتن سیاسی خبری زیر نظر هیئت هماهنگی — شماره ۱۲۷\سه شنبه پنجم نوامبر ۲۰۰۲ برابر با ۱۴ آبان ۱۳۸۱ — کارگران جهان متحد شوید!

## تنش دیپلماتیک میان ایران و سوئد، و وظایف ما!

### داریوش ارجمندی

هفته گذشته، دولت سوئد اقدام به اخراج کاردار بازرگانی سفارت خانه جمهوری اسلامی ایران در استکهلم نمود. براساس گزارش خبرگزاری فرانسه در این رابطه، فرد مذکور، در چند نوبت تلاش به خرید تجهیزاتی کرده بود که می تواند در زمینه ساخت سلاح های کشتارجمعی مورد استفاده قرار گیرند.

سکوت سوئد!

مسئله جالب توجه در این میان این بود که دولت سوئد، علی رغم اهمیت بالای مسئله، با سکوت از کنار آن گذشت. ماجرای اخراج کاردار ایران، اساساً سروصدایی در رسانه های گروهی سوئد برپا نکرد. تنها دور روز بعد از تصمیم دولت سوئد، هنگامی که دولت اسلامی ایران نیز در یک عمل تلافی جویانه اقدام به اخراج یکی از کارمندان سفارت خانه سوئد در تهران نمود، خبرگزاری سوئد، آنهم به نقل از خبرگزاری فرانسه، خبر این ماجرا را بطور خلاصه و بدون آب و تاب مخابره کرد.

به عبارت دیگر روشن شد که سوئد به هیچ وجه مایل نیست که موضوع کوچکی! همچون خریداری سلاح های کشتارجمعی از سوی ایران، خدشهای در روابط گرم و صمیمانه دو کشور ایجاد کند. این مسئله درعین حال به معنای آن است که اتهامات وارده به کاردار ایران، بدون هیچگونه شک و تردیدی، صحت داشته است، چراکه سوئد با محافظه کاری خاصی که در این گونه موارد از آن سراغ داریم، اگر کوچکترین شبهه ای در مورد عدم صحت اتهام مورد بحث وجود داشت، اساساً اقدام به اخراج کاردار ایران نمی کرد. نمونه ای از این محافظه کاری را در جریان آزادی تروریست های ایرانی از سوی دولت سوئد در اوایل دهه ۹۰ شاهد بودیم. تروریست هایی که در پی آزادی خود، امکان یافتند که فعالیت های خویش را در سایر کشورهای اروپایی ادامه دهند و از جمله جنایت میکونوس را بیافرینند (مشروح این ماجرا در اتحاد چپ کارگری شماره ۱۲۵ موجود است). گذشته از این، مروری بر کارنامه رژیم ایران، بخوبی روشن گر حقیقت ماجراست.

اما در این میان آنچه مورد سؤال است این است که، در فضای موجود در جهان، در آستانه حمله آمریکا به عراق (آنهم به بهانه برخورداری عراق از سلاح های کشتارجمعی!)، و همچنین در شرایطی که آمریکا ایران را در کنار عراق بعنوان یکی از محورهای اهریمنی جهان نامیده، چگونه سران رژیم جمهوری اسلامی، به چنین اعمال «مخاطره آمیزی» دست می زنند؟ نخست ۵۰ تن محموله تسلیحاتی برای بنیادگرایان اسلامی در فلسطین ارسال می کنند و اکنون نیز تلاش می کنند تا به ذخیره سلاح های کشتارجمعی خود بیافزایند. اعمالی که اگر از سوی دولت عراق سر زده بود، هر کدام به تنهایی می توانست بهانه مورد نظر آمریکا را برای حمله فوری به این کشور فراهم کند.

جمهوری اسلامی، مطمئن از حمایت های بین المللی!

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی، بویژه در طول سال گذشته، از حمایت آشکار بین المللی برخوردار شده است. در عرصه های گوناگون، از عرصه اقتصادی گرفته، تا سیاسی و اجتماعی، دولتهای سرمایه داری (بویژه اتحادیه اروپا)، و همچنین نهادهای قدرتمند اقتصادی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، پشتیبانی تقریباً بدون و قید و شرط خود از رژیم ایران را آشکار ساخته اند: ..... دنباله در ص ۳

در صفحات دیگر می خوانید:

\* گسترش اعتراضات کارگری در بریتانیا و احتمال اعتصاب کارگران و کارمندان آتش نشانی، بحران ایرلند شمالی و نقصان اصلی جنگ ..... در ص ۲

\* معرفی کتاب الفبای اقتصاد سیاسی اثر روبین هائل ... در ص ۴

\* استفاده ارتش بریتانیا و آمریکا از اورانیوم تقلیل یافته. در ص ۴

\* اطلاعیه مربوط به سخنرانی و بحث آزاد رفیق تراب ثالث، گزارش سخنرانی نماینده اتحاد چپ کارگری، تظاهرات گسترده علیه جنگ در آمریکا و اروپا! ..... در ص ۵

### بحران ایرلند شمالی و مقصران اصلی سالها جنگ!

هفته گذشته، دولت بریتانیا، حکومت ملی در ایرلند شمالی را منحل، و «شین فین» شاخه سیاسی نیروهای جمهوریخواه در ایرلند را متهم کرد که از موقعیت خود در حکومت سوءاستفاده کرده، «اسرار امنیتی» را در اختیار ارتش جمهوریخواه ایرلند قرار داده است. اگر چه این خبر و اتهامات علیه نیروهای جمهوریخواه در رأس اخبار رسانه‌های جمعی مطرح شد، دو خبر دیگر در مورد ایرلند شمالی که در روزنامه‌های کثیرالانتشاری چون گاردین و ایندپندنت مطرح شد، از اهمیتی به مراتب بیشتر برخوردار بودند.

خبر اول که ما در تارنمای اتحاد چپ کارگری متن انگلیسی آنرا درج کردیم، شهادت یکی از سربازان انگلیسی در «کمیسیون علنی تحقیق تیراندازی علیه تظاهرات حقوق مدنی ژانویه ۱۹۷۲» در شهر دری است. این تظاهرات و آتش‌گشودن ارتش بریتانیا، از آنجا اهمیت دارد که اکثر ناظران سیاسی آنرا مقطع آغاز شکل‌گیری مبارزات چریکی معاصر در ایرلند میدانند. در این روز، ارتش بریتانیا به بهانه احتمال «مسلح» بودن برخی از مدافعان جنش «دفاع از حقوق مدنی» در میان نیروهای جمهوریخواه در ایرلند شمالی، بر روی تظاهرکنندگان آتش دولت و ارتش گشود و ۱۴ نفر از تظاهرکنندگان را به قتل رساند. بسیاری معتقدند این واقعه در اوج‌گیری درگیری‌های نظامی ۳۰ سال گذشته، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. در کمیسیون تحقیق، سربازان نیروهای ویژه ارتش بریتانیا که در آتش‌گشودن بر روی تظاهرکنندگان نقش داشته‌اند، تنها با شماره معرفی میشوند، اگرچه اکثر این شاهدان اکنون با هویت‌های جدید در حفا زندگی میکنند. شهادت سرباز شماره ۲۷ که مورد توجه رسانه‌های خبری و روزنامه‌ها قرار گرفت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه برای اولین بار یکی از نظامیان درگیر در این وقایع شهادت داده است که نیروهای ویژه ارتش، از شب قبل از تظاهرات برنامه حمله به این تظاهرات را در دستور کار خود قرار داده بودند و روز تظاهرات هیچ دلیلی برای آتش‌گشودن بر روی فعالان سیاسی و دیگر شرکت‌کنندگان در این تظاهرات وجود نداشت. این شاهد در پاسخ به سؤال مشخص وکیل گفت: «تظاهرکنندگان اسلحه نداشتند، خطری ما را تهدید نمی‌کرد.» اگرچه این کمیسیون سی سال پس از وقایع آن روز و کشته شدن صدها ایرلندی و انگلیسی در جنگ خونین بین جنبش جمهوریخواه و دولتهای کارگر و محافظه‌کار در بریتانیا، کوششی ناچیز و با تأخیر غیرقابل‌بخشی است، اما نقش این کمیسیون در افشای تفکر ارتشیان انگلیسی نقش مهمی دارد. تفکر و بینشی که از دوران استعمار و کلنیالیسم در بریتانیا باقی مانده است.

در همین رابطه، در هفته گذشته در کمیسیون تحقیق قتل‌های وکلای چپ در ایرلند شمالی روشن شد که نیروهای نظامی و پلیس در ایرلند از توطئه قتل این وکلا توسط نیروهای چریکی (یونیونیست) (نیروهای طرفدار بریتانیا در ایرلند) اطلاع داشتند و کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از این قتل‌های عمد انجام ندادند.



BL02.JPG

تظاهرات «دفاع از حقوق مدنی». ایرلند شمالی. ژانویه ۱۹۷۲

### گسترش اعتراضات کارگری در بریتانیا و احتمال اعتصاب

#### کارگران و کارمندان آتش‌نشانی!

۵ سال پس از به‌قدرت‌رسیدن دولت «کارگر نو» در بریتانیا، مبارزات کارگران و کارمندان بخش دولتی برای دستیابی به حقوق و مزایای بیشتر، وارد مرحله جدیدی شده است. در همین رابطه کارمندان بخش آتش‌نشانی برای اضافه دستمزدی برابر ۴۰ درصد حقوق فعلی خود، اعلام کرده بودند که از هفته آینده دست به اعتصاب‌های دو روزه و پس از آن اعتصاب ۸ روزه خواهند زد. اما در پی مداخله دولت و سازش بورکراتهای رهبری این اتحادیه، به نظر میرسد اعتصاب، حداقل در موقعیت کنونی، به تعویق بیفتد. با اینهمه شکی نیست که اکثر کارگران و کارمندان آتش‌نشانی که ساعات کارشان در شیفت‌های ۱۲ ساعته است و اکثراً وظایف خطرناکی در حفظ جان و مال قربانیان آتش‌سوزی و دیگر سوانح دارند، حاضر نیستند با حقوقی که از حقوق مأموران پلیس یا پرستاران و کارمندان بخش بهداشت کمتر است، کار کنند.

ثروتهای نجومی در میان سرمایه‌داران بخش خصوصی که به گرانی قیمت‌ها و خصوصاً بالارفتن سرسام‌آور قیمت مسکن در بریتانیا انجامیده، شرایط زندگی برای کارمندان و کارگران ساده را روز به روز دشوارتر کرده است و از همین رو اعتراضات این بخش از جامعه برای دستیابی به حقوق بیشتر و حفظ حداقل‌هایی از دولت رفاه (همچون بهداشت یا آموزش مجانی)، در حال گسترش است.

## ... دنباله تنش دیپلماتیک از ص ۱

### عرصه اقتصادی!

در شهریورماه امسال، صندوق بین‌المللی پول گزارش سالانه خود در مورد ایران را منتشر ساخت. در این گزارش، دولت خاتمی مورد تمجید و تشویق صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته بود. بویژه سیاست‌های خاتمی در زمینه خصوصی‌سازی و اصلاح قانون کار و ساختار اقتصادی، مورد تقدیر قرار گرفته بود، یعنی همان سیاست‌هایی که در تداوم سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی، وضعیت دهشتناکی را بر میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان کشور تحمیل کرده است. بعنوان نمونه در ادامه مصوبه مجلس مبنی بر خروج کارگاه‌های دارای کمتر از ۵ کارگر از شمولیت قانون کار، اکنون دولت و کارفرمایان اسلامی، در صدد اجرای آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار می‌باشند که براساس آن، کارگاه‌هایی دارای کمتر از ۱۰ کارگر، از بخش وسیعی از مزایای قانون کار محروم می‌شوند. به عبارت دیگر، کارگران شاغل در کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر، دیگر از مزایایی همچون حق بازنشستگی، حق اولاد، طبقه‌بندی مشاغل، مرخصی و امثالهم برخوردار نخواهند بود. بنابر آمار موجود، این طرح شامل نزدیک به ۴ میلیون کارگر می‌شود. ازهم‌اکنون می‌توان انتظار داشت که صاحبان کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ کارگر به بالا، به منظور آنکه قانون جدید شامل حال آنها شود، به اخراج کارگران اضافی! بپردازند، یعنی تکرار همان فاجعه‌ای که پس از تصویب طرح خارج شدن کارگاه‌های کمتر از ۵ نفر از شمولیت قانون کار شاهد بودیم. در آن مقطع نیز تعداد کثیری از کارگران شاغل در واحدهای صنعتی کوچک که اکثر آنها را کارگران زن تشکیل می‌داند، از کار خود اخراج شدند و اکنون نیز درکنار محرومیت ۴ میلیون کارگر از ابتدایی‌ترین حقوق خود، باید در انتظار بیکاری گسترده تعداد زیادی از کارگران و زحمتکشان کشور باشیم.

در کنار این طرح‌های خانمان برانداز ضدکارگری، باید بیاد داشته باشیم که آن عده از کارگران («خوشبخت») ایران که همچنان در پوشش قانون کار باقی می‌مانند، به هر حال همچنان از بسیاری از حقوق خود همچون برخورداری از اتحادیه‌های مستقل، انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی، و حق اعتصاب و امثال آن، محروم می‌باشند، چراکه قانون کار رژیم اسلامی، این حقوق را برسمیت نمی‌شناسد. در نتیجه، اعتصابات کارگران برای برخورداری از دستمزدهای به‌تعویق افتاده و پرداخت‌نشده، با سرکوب نیروهای انتظامی و دستگیری اعتصابیون و فعالین جنبش پاسخ داده می‌شوند.

این سیاست‌های دقیقاً همان سیاست‌هایی‌ست که ازسوی صندوق بین‌المللی پول، مورد تمجید قرار گرفته، و به منظور تشویق بیش از پیش دولت ایران، بانک جهانی، نهاد قدرتمند دیگر سرمایه‌داری جهانی، تصمیم به پرداخت وام‌های کلان، و البته با بهره‌های سنگین، به دولت و سرمایه‌داران ایران گرفته است. براساس این تصمیم که در ۲۸ سال گذشته (یعنی از سال ۵۳ و سالهای آخر حیات رژیم سلطنتی)، بی‌سابقه است، نخست وامی به مبلغ ۷۵۵ میلیون دلار، و سپس وام‌هایی تا سقف ۳ میلیارد دلار به سرمایه‌داری ایران پرداخت خواهد شد. از دیگر اقدامات دیگر جهان سرمایه در تقدیر از سیاست‌های ضدکارگری جمهوری اسلامی، می‌توان به موضوع انتخاب ایران در مدیریت سازمان جهانی کار اشاره کرد. سازمانی که قاعدتاً می‌بایست به دلیل اجرای سیاست‌های ضدکارگری ازسوی ایران، به اخراج و یا حداقل تعلیق عضویت آن اقدام کند، برعکس، بر سینه آن مدال افتخار می‌آویزد.

### عرصه اجتماعی و سیاسی!

امسال در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، برای نخستین بار در طول حیات ضدبشری رژیم اسلامی، طرح محکومیت ایران به دلیل نقض حقوق بشر، مورد تصویب قرار نگرفت. این درحالی‌ست که بنابر آمار ارائه شده ازسوی سازمان‌های طرفدار حقوق بشر، رژیم جمهوری اسلامی به‌نسبت جمعیت خود، در طول سال گذشته، بیشترین تعداد اعدام‌ها در جهان را داشته است. در ماه‌های اخیر، میادین شهرهای ایران، به محل اعدام‌های خیابانی تبدیل شده‌اند، و وضعیت زندان‌ها بگونه‌ایست که حتی برخی از حکومتیان نیز از وجود و تشدید شکنجه در زندان‌های کشور شکایت دارند. در همین حال، تنها چند روز پس از اخراج کاردار بازرگانی ایران از سوئد، اجلاس اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ، طرح پیشنهادی برخی از اعضای خود مبنی بر قراردادن «بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران به‌عنوان پیش شرطی برای توسعه روابط اقتصادی سیاسی اتحادیه اروپا و ایران» را رد کرد. به بیان دیگر، اتحادیه اروپا به رهبران ایران اطمینان خاطر داد که اعدام‌های خیابانی، دستگیری مخالفین و شکنجه آنها، قلع و قمع روزنامه‌های منتقد و قتل‌های زنجیره‌های مخالفین، و بالاخره ترور مخالفین در خارج کشور و خرید سلاح‌های کشتارجمعی، هیچ‌یک مانعی بر سر راه توسعه روابط سودآور اقتصادی طرفین نخواهند بود.

رقابت بلوک‌های سرمایه‌داری، یک فرصت طلایی برای رژیم اسلامی!

حمایت‌های آشکار و نهان اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی ایران را باید در رهگذر اختلاف منافع و رقابت‌های موجود در میان بلوک‌های سرمایه‌داری جهانی، مورد بررسی قرار داد. نقشه استراتژیک آمریکا برای منطقه خلیج فارس و کرانه دریای خزر، در تقابل آشکار با منافع کشورهای اروپایی، روسیه و حتی چین در این منطق قرار دارد. قراردادهای کلان شرکت‌های نفتی اروپایی و روسی در منطقه، در صورت عملی شدن نقشه‌های آمریکا با خطر روبرو خواهند شد (موضوعی که در فرصتی دیگر می‌بایست بطور مفصل تری مورد بررسی قرار داد).

در چنین فضایی رهبران رژیم دست خود را برای پیشبرد سیاست‌های خود باز می‌بینند و به همین دلیل است که در کنار کوتاه آمدن‌های آنها در مقابل تهدیدات آمریکا در اینجا و آنجا، همچنان شاهد پیگیری سیاست‌های «مخاطره‌آمیز» ازسوی رژیم می‌باشیم. اما در همین جا باید تأکید کرد که اگرچه جهان سرمایه‌داری و در این مورد مشخص اتحادیه اروپا، سیاست‌های خود در قبال ایران را براساس منافع اقتصادی و سیاسی خود تنظیم می‌کنند، اما این به معنای عدم امکان تأییدگذاری ما بر این سیاست‌ها نیست. واقعیت این است که فشار افکارعمومی و جنبش‌های توده‌ای در این کشورها، بارها مسیر این سیاست‌های را به نفع جنبش آزادیخواهی تغییر داده‌اند. جنبش جهانی ضدسرمایه‌داری بطور خاص و جنبش طرفداری از حقوق بشر بطور عام، متحدین قدرتمند توده‌های سیستم‌دیده ایران هستند و از این رو اپوزوسیون چپ و آزادیخواه ایران، وظیفه دارد که همچون گذشته با جلب حمایت این جنبش‌ها، دولت‌های سرمایه‌داری را وادار به عقب‌نشینی نماید. می‌توان و باید، با افشای چهره ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی، به بیسج افکارعمومی جهان علیه این رژیم و حامیان آن در سطح بین‌المللی پرداخت. این واقعیتی‌ست که حتی جمهوری اسلامی نیز از آن بخوبی مطلع است. بهبود نیست که در هفته‌های گذشته، همزمان با موفقیت جنبش دفاع از ناصر زرافشان و زندانیان سیاسی ایران در سوئد، روزنامه‌های ایران از آزادی بیش از حد مخالفین خود در سوئد اظهار نارضایتی کردند.

معرفی کتاب: «الفبای اقتصاد سیاسی»!

مصاحبه znet با روبین هائل نویسنده کتاب:

انتشارات Pluto Press

سؤال: اگر ممکن است درباره کتابی که اخیراً از شما منتشر شده، «الفبای اقتصاد سیاسی» توضیحاتی بدهید.

جواب: «الفبای اقتصاد سیاسی. برخوردی نوین» (انتشارات Pluto Press، نوامبر ۲۰۰۲) مقدمه‌ای است بر اقتصاد سیاسی مدرن و رادیکال. برای خواندن این کتاب لازم نیست زمینه اقتصادی داشت. چهارچوب رادیکالی برای درک رابطه بین سیاست و اقتصاد، جنسیت و پویایی شناسایی نژادی ایجاد میکند. مفاهیم پایه‌ای بینش مترقی را تعریف کرده از آنان دفاع میکند، مفاهیمی چون دمکراسی اقتصادی، عدالت اقتصادی، همبستگی و تاب‌آوری محیط‌زیست، به خوانندگان اصول پایه‌ای لازم برای درک عملکرد بازار، دلایل بیکاری و تورم را می‌آموزد و منطق سیاست‌های مالی و حسابداری، رابطه بین بخش مالی و بخش‌های واقعی اقتصاد و نحوه عملکرد تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری را توضیح میدهد. به طور مشخص بر رد افسانه‌های پیرامون سرمایه که در اقتصاد عامی مطرح است، تأکید میکند. دو فصل پایانی کتابی توضیح میدهند چرا سرمایه‌داری ذاتاً غیردمکراتیک، ناعادلانه و مخرب محیط‌زیست است و در درازمدت و کوتاه‌مدت چه باید کرد تا اقتصاد متکی بر رقابت و طمع را با اقتصادی متکی بر مشارکت منصفانه جایگزین کرد.

سؤال: اگر ممکن است در مورد پروسه نوشتن این کتاب توضیح دهید؟ فکر نگارش آن از کجا آغاز شد و چه نکاتی در آن درج شد؟

جواب: فکر کتاب را سه دهه‌ای در سر داشتم. چند سال پیش در دانشگاه اینترنتی Znet مسئول کلاس مقدمه اقتصاد سیاسی بودم. هر هفته درسم در تارنما درج میشد و فعالین سیاسی با پست الکترونیکی سئوالهای خود را مطرح میکردند. هسته اصلی مطالب این کتاب یادداشت‌های ما برای تدریس در این بخش و سه دهه تدریس اقتصاد و اقتصاد سیاسی در دانشگاه آمریکایی بود.

بسیاری از همکاران من بخش عمده چهارچوب تئوری مارکسیستی را رها کرده‌اند و البته عده‌ای هیچ جنبه از افکار مارکسیستی خود را تغییر نداده‌اند. من از مدتها پیش بر این نظر بودم که میتوانیم فراسات‌های رادیکال مارکسیسم را حفظ کرده آنها را گسترش دهیم، بدون آنکه به نظریه‌های عقب افتاده و غیرمنطقی بچسبیم، فکر میکنم کتاب الفبای اقتصاد سیاسی برای خواننده غیرحرفه‌ای، جایگزین کنونی ماتریالیسم تاریخی، تئوری ارزش کار و تئوری مارکسیستی بحران را در سطحی که به مراتب از تئوری‌های کهن جلوتر است، ارائه میکند.

سؤال: انتظار دارید این کتاب چه نقش سیاسی داشته باشد؟ با درنظر گرفتن وقتی که برای این کار گذاشتید چه امیدی به نتایج انتشار کتاب دارید؟

جواب: در حله اول امیدوارم پاسخگوی سئوالات دانشجویان و فعالین سیاسی که سئوالهای الکترونیکی برایم میفرستند باشد. اما مهم‌تر از آن امیدوارم نیروهای چپ و مترقی نسبت به مسائل اقتصادی با دقت بیشتری برخورد کنند و با مفاهیمی چون دمکراسی اقتصادی، عدالت اقتصادی، کارایی اقتصادی آشنایی پیداکنند و بدانند چه راه‌حلهایی برای دستیابی به این اهداف وجود دارد. امیدوارم باعث شود بحث فعالین سیاسی چپ و مترقی با کسانی که آموزش رسمی اقتصادی دارند را تقویت کند و این فعالین بتوانند به ادعاهای مدافعین سرمایه مبنی بر لزوم پذیرش بی‌عدالتی و سلسله مراتب، پاسخ گویند. این کتابی است که به کسانی که بینش انسانی دارند می‌آموزد چگونه در مورد اقتصاد روشن تر فکر کنند.

استفاده ارتش بریتانیا و ایالات متحده از

«اورانیوم تقلیل یافته» Depleted uranium

از زمان جنگ خلیج (۹۱ - ۹۰) و حمله نظامی ایالات متحده و بریتانیا به عراق، تعداد زیادی از سربازان و ارتشیان این دو کشور که از آن جنگ برگشته‌اند دچار بیماری‌ها و عوارض گوناگونی شده‌اند. از جمله درصد بالایی به سرطان مبتلا گشته‌اند، فرزندان تعدادی از این ارتشیان (که البته پس از بازگشت آنان از جنگ بدنیا آمده‌اند) با ناقص و یا مبتلا به بیماری‌های کم سابقه بدنیا آمده‌اند. تعداد این مبتلایان آنچنان بالاست که در هر دو کشور انگلیس و آمریکا کارزارهای گسترده‌ای در دفاع از این ارتشیان برپا شده است. همزمان با این عوارض، گزارش‌های پزشکان بین‌المللی از عراق حاکی است که بیماری‌های مشابهی خصوصاً در رابطه با اعتلای کودکان به سرطان و تولد نوزادان با نواقص جسمی، در درصدی بالا ثبت شده است. اگرچه برخی از بیماری‌های ارتشیان، از تزریق دواهای گوناگون ناشی شده است، بخشی از فعالین این کارزار، همراه با پزشکانی که از مناطق بمباران شده عراق دیدن کرده‌اند، بر این عقیده‌اند که استفاده از «اورانیوم تقلیل یافته» در اسلحه‌های ضد تانک در آن جنگ و در بمباران‌های هوایی عراق در حین جنگ خلیج و پس از آن، باعث پیدایش این بیماری‌ها شده است. در عراق در پی جنگ خلیج، تولد کودکان ناقص‌العضو، ۳۸۴ درصد افزایش یافته است و بیماری سرطان خون ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. محققین پزشکی معتقدند اجزای ریز این فلز، در بدن و شش انسان جای گرفته، باعث بروز این بیماری‌ها میگردد.

اورانیوم، از آنجاکه از خانواده فلزات سنگین است، دو مورد استفاده نظامی دارد. یکی برای رسوخ در بدنه و دفاع ضدتانک و دیگری در اسلحه‌های سیستم هدف‌یاب. هنگامیکه این نوع اورانیوم در مواد منفجره بمبهای هوایی در حجم بالا مورد استفاده قرار میگیرد (بمبهای ۱۵۰۰ کیلوگرم به بالا)، خطر آلوده کردن محیط‌زیست توسط چنین اسلحه‌هایی، ۱۰۰ برابر میزانی است که در ابزار جنگی خلیج مورد استفاده قرار گرفت.

در طرح نظامی ایالات متحده و بریتانیا برای حمله به عراق، پیش‌بینی میشود هزارتن «اورانیوم تقلیل یافته» مورد استفاده قرار گیرد، اما متأسفانه هیچ بررسی جدی از عواقب وحشتناک استفاده از این مقدار مواد سمی در محیط‌زیست منطقه و در سطح جهان صورت نگرفته است.

عده‌ای از فعالین بازار بین‌المللی علیه استفاده از «اورانیوم» در هفته‌های اخیر مسئله بازرسی بین‌المللی از مواد نظامی و بمب‌های بریتانیا و ایالات متحده را مطرح کرده‌اند و معتقدند این اسلحه‌ها و استفاده غیرمسئولانه از آنها، بیش از اسلحه‌های خراب‌شده و عقب افتاده عراق برای جهانیان خطر دارد.

سخنرانی در پال‌تاک!

سخنرانی یونیس پارسا بناب محقق و مدرس دانشگاه استرالی

پیرامون:

دمکراسی و نظم نوین جهانی

یکشنبه ۱۰ نوامبر ساعت ۲۰ بوقت اروپای مرکزی و ۱۴ بوقت

نیویورک

پال‌تاک اتاق (Iran Etehad-e-chap)

گزارش کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۰۲

سخنرانی نماینده اتحاد چپ کارگری

تظاهرات گسترده علیه جنگ در آمریکا و اروپا!

در شهر واشنگتن بیش از صد هزار نفر، تظاهراتی در مخالفت با جنگ احتمالی علیه عراق برپا کردند که بدون شک می‌توان آنرا از بزرگترین تظاهرات ضدجنگ از زمان جنگ ویتنام به این سو محسوب کرد. مطابق اطلاعات رفقای اتحاد چپ ایرانیان، واشنگتن، ائتلاف ضدجنگ موفق شد گروه‌های مدافع سیاهپوستان، نیروهای چپ و فمینیست را در اتحاد با مدافعان جنبش فلسطین به شرکت در این تظاهرات جلب کند. گزارش کامل این تظاهرات در شماره بعدی خبرنامه درج خواهد شد.

تظاهرات برلین، هامبورگ، آمستردام و بروکسل، با شرکت دهها هزار نفر از شهروندان اروپایی، نشانه دیگری از اعتراض گسترده مردم اروپا علیه جنگ بود.

در بریتانیا، جنبش ضدجنگ روز ۳۱ اکتبر را روز نافرمانی مدنی علیه جنگ اعلام کرد و نیروهای ائتلاف ضدجنگ در این روز با متوقف کردن ترافیک، دست کشیدن از کار، نشستن روی پیاده‌روها، اعتراض خود به سیاستهای دولت را ابراز داشتند.

سخنرانی و بحث آزاد

بررسی ساختار سرمایه‌داری ایران تا آستانه انقلاب ۱۳۵۷

سخنران: تراب ثالث

زمان: چهارشنبه ۶ نوامبر ۲۰۰۲ ساعت شش و نیم بعدازظهر

مکان: LUCAS ARMS, 245a GRAY'S INN ROAD,

LONDON WC1X 8QZ

نزدیکترین ایستگاه قطار زیرزمینی: KING'S CROSS

برگزارکننده: انجمن ایرانیان سوسیالیست لندن

برای کسب اطلاعات بیشتر با آدرس الکترونیکی زیر تماس بگیرید:

iss@isf.org.uk

شماره حساب پستی اتحاد چپ کارگری ایران در سوئد: pg: 4289144-0

شماره فکس و آدرس پستی اتحاد چپ کارگری ایران:

Address: Box 22 33 40 314 Gtg Sweden

Fax: 0046 31139897 0044 8701257959

آدرس ما در اینترنت:

http://www.etehadchap.com

e-mail: web@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا:

us.east@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی کمیته زنان اتحاد چپ کارگری:

zanan@etehadchap.com

مسئول اجرایی بولتن: داریوش ارجمندی، سوئد

dariush@etehadchap.com

کنفرانس حزب سوسیالیست اسکاتلند، متشکل از وحدت حزب کارگران سوسیالیست، میلیتانت، گروه آزادی کار، اعضای سابق گروه مارکسیستی بین المللی (بین الملل چهارم)، گروهی از اعضای سابق حزب کمونیست و منفردین چپ، روزهای ۲۶ و ۲۷ اکتبر در گلاسکو برگزار شد.

این حزب که در پی توافقات ((اتحاد سوسیالیستی)) در سطح بریتانیا بین گروه‌های عمدتاً تروتسکیست در سال ۱۹۹۹ در اسکاتلند به مثابه حزبی واحد شروع به کار کرد، بدون شک بزرگترین حزب چپ رادیکال در شمال اروپا است که بایش از ۲۰۰۰ عضو و ۵۰ شعبه، مطابق آخرین نظرسنجی‌ها، حدود ۸ درصد آراء مردم اسکاتلند را از آن خود ساخته است. با این همه، برخی از فعالان سیاسی چپ، درون و بیرون از این حزب معتقدند تأکید بیش از حد بر انتخابات پارلمانی، فعالیت حزب و نیروهای متشکل آنرا در سطح فعالین کارگری و در مناطق فقیرنشین تضعیف کرده است. شکی نیست که ورود یکی از اعضای رهبری این حزب به پارلمان اسکاتلند بر میزان تبلیغات و حضور و مداخله سیاسی چپ رادیکال در سطح رسانه‌های خبری جمعی و مطبوعات کمک کرده است، اما منتقدان بر این نظرند که هر تبلیغ و ترویج سیاسی در چهارچوب فعالیت‌های مورد نظر این گونه رسانه‌ها، جز با تعدیل و تضعیف بحث‌های سیاسی و پذیرش گفتمان سرمایه‌داری میسر نیست.

از طرف دیگر عده‌ای از آکادمیسین‌های چپ بریتانیا، موضع این حزب مبنی بر ((مبارزه برای ایجاد جمهوری سوسیالیستی مستقل در اسکاتلند)) را تجزیه‌طلبی ناسیونالیستی میدانند و معتقدند آینده طبقه کارگر در بریتانیا جز در همبستگی میان ملت‌های ایرلند، اسکاتلند، ولز و انگلیس میسر نیست. در کنفرانس سالانه این حزب، دهها جلسه بحث و سخنرانی برگزار شد. از جمله چندین جلسه در توضیح و بسیج نیرو برای شرکت در ((فوروم اجتماعی)) اروپا که قرار است هفته اول نوامبر در فلورانس برگزار شود. در بخش بحث‌های بین المللی، انقلاب نیکاراگوئه، انقلاب ایران (سال ۵۷)، موقعیت کنونی کوبا، بررسی جنگ خلیج (حمله ایالات متحده و بریتانیا در سال ۱۹۹۰ به عراق)، از جمله بحث‌های این کنفرانس بودند.

در جلسه مربوط به ایران که با استقبال تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس روبرو شد، یکی از اعضای هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری در پی توضیح شرایط انقلاب سال ۱۳۵۷ و مبارزات اقشار مختلف جامعه در آن قیام، تحلیلی از موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ارائه کرد و با اشاره به اعتراضات کارگران ایران، بن بست حاکمیت و کوشش‌های دو جناح رژیم در عادی کردن روابط با ایالات متحده و احتمالاً حمایت غیرمستقیم از حمله به عراق، بیش از دو ساعت به سئوالات شرکت‌کنندگان در این کنفرانس پاسخ داد. شرکت‌کنندگان در این جلسه سئوالمهایی در مورد مواضع کنونی سازمانهای چپ ایران، درس‌آموزی از شکست انقلاب، موقعیت کارگران در صنایع ایران، و موضع اقلیت‌های ملی نسبت به دولت‌های کشورهای مجاور مطرح کردند. در همین رابطه بحثی پیرامون مداخله جوانان پاکستانی الاصل مسلمان در تظاهرات ضدجنگ و شیوه بحث و برخورد با آنان مطرح شد.